

اسلوب اعتراض در بلاغت قرآن کریم

عزت الله مولایی نیا

استادیار دانشگاه قم

عضو انجمن علوم قرآن و حدیث

چکیده

اسلوب اعتراض یکی از اسالیب گسترده قرآن کریم است و در گستره آن با شاکله ها و ساختارهای گوناگونی چون: تک جمله، شبه جمله، دو جمله، سه جمله و بیشتر آمده است و از نظر موارد کاربردی و اغراض و فوائد و روابط آن با پیام و اندیشه های اصلی، و از نظر جایگاه موقعیتی در ساختار کلام اصلی، گاهی در آغاز کلام و گاه در وسط و گاهی نیز در پایان آن به صورت اعتراض تزیینی قرار گرفته و دارای هزاران نکته و لطائف بلاغی، اعجازیانی، محتوایی و لفظی می باشد، و بر اساس پژوهش و نقد و بررسی، بیش از پانصد آیه از این اسلوب حجم بزرگی را از قرآن به خود اختصاص داده است. تا کنون هیچ نگارش مستقل و فراگیری پیرامون این موضوع مهم سامان نیافته است، و بحث های پراکنده و جزئی هم که از نیمه های دوم قرن سوم آغاز شده، این موضوع مهم را به عنوان یک اسلوب کلی و کلان ندیده اند. از این رو کشف نکته ها و لطائف بی شمار بلاغی و اعجاز بیانی آن در فهم مقاصد الله، حیاتی و سرنوشت ساز خواهد بود. بنابراین، نگارش نوشتاری که با یک نگرش کلان همه پرسش های پژوهشگران عرصه های قرآنی را در این زمینه پاسخ دهد، یک امر ضروری و حیاتی است. نوشتار حاضر ضمن بررسی اجمالی عرصه های یاد شده، زمینه های تحقیقی آن را پیشنهاد می نماید.

کلید واژه‌ها: تحلیل، بررسی، اسالیب، اعتراض، قرآن

تاریخ دریافت: ۸۷/۶۱۰

تاریخ پذیرش: ۸۷/۸/۲۸

مقدمه

قرآن کتابی است الهی با ویژگیهای خاص خود در تالیف، سبک و عرضه مطالب. قرآن در راستای بیان پیام ها و مقاصد الله از اسلوب های گوناگونی استفاده نموده است که قطعاً درک صحیح مقاصد و پیامهای روح افزای آن به شناخت دقیق آن اسالیب از ابعاد گوناگون بستگی کامل دارد. چرا که بدون آشنایی با سبک ها و اسالیب بیانی قرآن، هرگز در کشف مقاصد آن موفق نخواهیم شد. اسلوب های اعتراض از جمله مسائل بنیادین و از شیوه های کار ساز حوزه ادب عربی و از جایگاه بسیار بالایی برخوردار بوده، و در گستره قرآن کریم به گونه وسیعی به کار رفته است. ولکن این مسئله علی رغم کاربردهای فراوان آن در نظم و نثر عربی، به ویژه در آیات قرآن - که دارای اعجاز بیانی بوده و در مقام تحدی و از روی حکمت مطلقه حق فرود آمده - در هیچ یک از عرصه های تفسیری و ادبی به گونه فراگیر و جامع علمی مورد بحث و بررسی دقیق قرار نگرفته است و بر اساس تحقیق و تفحص در نگارش های قرآنی در حوزه های متنوع ادبی، تفسیری و دانشهای قرآنی، تا کنون نگارش مستقلی در این زمینه سامان نیافته است، و آن دسته از پژوهندگان حوزه های ادبی قرآن هم، که در کنار مسائل دیگر ادبی متعرض آن شده اند، تنها به مسائل ابتدایی آن پرداخته و سخن یکدیگر را تکرار نموده و از بیان اسرار و دقائق و نکته های بی شمار بلاغی، تفسیری و... آن غافل مانده اند. چون بر اساس تحقیق، در بیش از پانصد آیه در گستره قرآن، اسلوب اعتراض به کار رفته، و هزاران نکته بلاغی، علمی در آن ها نهفته است؛ و بر اثر عدم پژوهش و نقد و بررسی، موارد و اغراض و فوائد و آثار بلاغی آن، از انظار پژوهندگان حقائق زلال قرآن به دور مانده است.

اینک با توجه به نکته های یاد شده و نیاز مبرم پویندگان حقائق قرآنی و رسالتی که بر دوش پژوهشگران قرآنی در ارتباط با بیان و پاسداری از حریم مقدس قرآن نهاده شده است؛ همچنین نیاز حوزه تفسیری قرآن به شناخت کامل اسلوب های بیانی آن در راستای کشف و شفاف سازی مقاصد الله و... « اسالیب اعتراض » در قرآن را مورد بحث و بررسی علمی قرار می دهیم. مطالب این نوشتار در عین اختصار در چند بخش مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. الف) کلیات. ب) موارد اعتراض در قرآن. ج) اغراض و اهداف بلاغی آن در قرآن. د) آثار بلاغی اعتراض در قرآن. هدف این مقاله بررسی جوانب گوناگون «اسالیب اعتراض» در کشف و ارائه راه کارهای مناسب در فهم مقاصد و اندیشه های اصلی آیات در کنار اندیشه های اعتراضی است.

۱- کلیات

الف- اهمیت و ضرورت بحث

پیش از هر چیز این پرسش مطرح می‌گردد که، چه ویژگی‌هایی در تالیف و چینش و آرایش آیات قرآنی وجود دارد که سبب عرضه متنوع موضوعات و درعین حال هماهنگی آنها شده است؟ در پاسخ این پرسش باید گفت که قاعده و میزان حاکم بر قرآن همان شیوه و اسلوب استطراد است. قاعده استطراد آن است که گوینده به خاطر مناسبتی در سخن، به آرامی، کلام را از موضوع اصلی، انتقال داده و پس از تشریح و تبیین آن، دوباره به موضوع اصلی سخن باز گردد و این شیوه را با حفظ تنوع و طراوت ارائه مطلب، بدون آنکه به پریشان‌گویی دچار شود ادامه دهد. فهم پیام اندیشه اصلی گوینده، مرهون شناخت اندیشه‌های استطرادی و جداسازی اجمالی آنها از اندیشه اصلی است. هدفی که گاه و بی‌گاه در پس اندیشه‌های استطرادی رخ نهان نموده و پس از بازشناسی مرز اندیشه‌های استطرادی از اصلی، پرده از رخسار بیرون می‌کشد و خود را به نمایش می‌گذارد. (برای توضیح بیشتر رجوع شود به عبد الرحمان سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۹۷۳، ج ۱ ص ۹۰، بدرالدین زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۳۹۱ هـ ق، ج ۱ ص ۴۹)

اسلوب‌های اعتراض در قرآن کریم، زیر مجموعه قاعده استطراد بوده و به صورت دقیق مشمول قاعده مذکور است، یعنی با شناسایی اسالیب اعتراض و افراض آن‌ها از اندیشه‌ها و پیام‌های اصلی، کلید فهم پیام‌ها و اندیشه‌های اصلی فراهم گشته، و زمینه فهم مقاصد آن‌ها - در قالب یک سیما و چهره و پیکره هماهنگ و دارای هدف مشترک - به وجود می‌آید.

ب- پیشینه تاریخی اسلوب اعتراض در نگارش‌های نحوی‌ها

اسالیب اعتراض از نظر کاربردی همچون دیگر اسالیب بیان، باید با پیدایش زبان همزمان بوجود آمده باشد. چون این اسلوب در همه زبان‌های جاری عرب فرویش یافته - از تمامی اسالیب رایج آن روز در مقام تحدی استفاده کرده، و همه عالم را جهت مقابله به مثل فراخوانده است. از این رو اسالیب اعتراض برای اهل زبان یک امر کاملاً شناخته شده بوده است.

اسالیب اعتراض خواه در زبان عرب و خواه در حوزه آیات قرآن کریم تا نیمه دوم قرن سوم هجری در قلمرو دانش نحو - علی‌رغم آشنایی کامل پژوهشگران علم نحو در سده‌های اول، دوم و سوم اسلامی مانند: خلیل بن احمد فراهیدی (ت: ۱۷۰ هـ ق)، سیبویه (ت: ۱۸۰ هـ ق)، فرا (۲۰۷ هـ ق)، ابوالعباس مبرد (ت: ۲۸۵ هـ ق) و زجاج (ت: ۳۱۱ هـ ق) مورد نقد و بررسی قرار نگرفته، حتی هیچ اشاره‌ای هم به آن نشده است. نگارنده شخصاً ده‌ها نگارش از آثار نحویان قرن‌های یاد شده را از جمله: شرح شواهد الکتاب تالیف د. عبدالمنعم خفاجی و شرح شواهد کتاب سیبویه، ابو جعفر نحاس (ت: ۳۳۸ هـ ق) به تحقیق احمد خطاب ۱۳۹۴، بر

اساس شمارش نحاس و خفاجی مورد به مورد ارزیابی کردم. با این که حدود یکصد و شانزده مورد از شواهد آن، دارای جمله معترضه بود، لیکن نه مولف و نه شارحان آن، هیچ اشاره‌ای به این اسلوب حکیمانه نداشتند، به جز یک مورد که سیبویه آن را «حشو» نامیده بود. و در کتاب الجمّل، منسوب به خلیل بن احمد فراهیدی و شرح جمل زجاجی و المقتضب و الکامل مبرد و معانی القرآن نیز، پس از بررسی به هیچ موردی برخورد نکردیم. بنابراین در حوزه دانش نحو تا نیمه اول قرن چهارم اسلامی، اسلوب اعتراض مطرح نبوده است؛ اما چه کسی برای اولین بار آن را مطرح کرده است. دقیقاً مشخص نیست. «۱» لیکن در نگارش‌های ابوعلی فارسی (ت: ۳۷۷) این بحث مطرح است؛ چون نحویان در مورد وقوع بیش از یک جمله معترضه، اختلاف نظر پیدا کرده، و منع آن را به ابوعلی فارسی نسبت داده اند. اما با مراجعه به برخی از کتاب‌های ابوعلی فارسی خلاف آن ثابت گشت، و روشن شد که وی چنین نظریه‌ای را نداشته، و وقوع چندین جمله معترضه را در یک جا جایز می‌دانسته است. (برای توضیح بیشتر رجوع شود به ابوعلی فارسی - المسائل الحلیات - ۱۴۰۷، ص ۱۴۳-۱۵۳ و دبدرین - ناصر البدر - اختیارات ابی حیان النحو - ۱۴۲۰ هـ ق - ج ۱ ص ۱۳۶) و ابوالفتح ابن جنی (ت: ۳۹۲ هـ ق)

دست پرورده ابوعلی فارسی، در کتاب خصائص، باب کوتاهی را برای آن گشوده و مواردی را مورد نقد و بررسی قرار داده است. با وجود این نحویان بعد از او هم تلاش قابل ذکری درباره آن نکرده اند. تنها پژوهشگر نحوی که مسائل جمله‌های معترضه را نسبتاً جامع بررسی کرده، ابن هشام انصاری (ت: ۷۶۱ هـ ق) است. لیکن او هم اسلوب اعتراض را به عنوان اسلوبی از اسالیب بیان قرآن مورد نقد و بررسی قرار نداده است؛ بلکه از این جهت که جمله ایست که محلی از اعراب ندارد، بدون ورود به آثار بلاغی و اغراض و فوائد و دلایل کاربرد آن، تنها به بیان موارد آن بسنده کرده است. از ابن هشام تا به امروز نحویان متجدد هم تلاش چشمگیری در این زمینه ننموده اند؛ بلکه تنها به تعریف آن با ذکر چند مثال تکراری بسنده نموده اند.

ج- اسلوب اعتراض و نگارش‌های عالمان بلاغت

به جمله‌های معترضه در نگارش‌های پژوهندگان علم بلاغت هم بیش از نگارش‌های نحویان پرداخته نشده است؛ بلکه عالمان بلاغت نیز همچون آن‌ها ضمن تعریف و بیان برخی از اغراض آن، تنها به ذکر موارد و شواهد تکراری اکتفا نموده، هیچ تلاش موثری در ارتباط با نوآوری و کشف اسرار حکیمانه قرآن انجام نداده اند. (برای توضیح بیشتر رجوع شود به محمد اسماعیل زویعی - من اسالیب التعبير القرآنی - ۱۹۹۶ م، ص ۱۷۵) با این حال میدان داران بلاغت در طرح و نقد و بررسی «اسلوب اعتراض» بر نحویان پیشی گرفته اند، چون: اصمعی (ت: ۲۱۶ هـ ق)، قدامه بن جعفر (ت: ۳۲۷ هـ ق)، عبدالله بن معتمر (ت: ۲۶۱ ق)، تفتازانی (ت: ۷۹۱ هـ ق) و خطیب قزوینی (ت: ۷۳۹ هـ ق)

۱- از بعضی شواهد تاریخی استفاده می شود که علی بن حمزه کسائی (ت: ۱۸۵ هـ ق) در نقد و بررسی نقائص اشعار جریر بدان اشاره کرده است.

با بررسی دیدگاه های گوناگون پژوهشگران بلاغی از خطیب تا به امروز، علی رغم تلاش های صورت گرفته، دیده می شود که جمله های معترضه به عنوان یکی از اسالیب حکیمانه قرآن کریم، با آن همه حجم گسترده مورد بحث و بررسی جداگانه ای قرار نگرفته است. (برای توضیح بیشتر رجوع شود به قدامه بن جعفر- نقد الشعر -۱۹۹۷م، ص ۱۵۰، عبدالله بن المعتز - البدیع - ۱۹۵۱م، ص ۵۹-۶۰، ابن رشیق قیروانی - العمده - ۱۹۹۹م، ج ۲، ص ۶۳۶-۶۴۳، ملا سعد تفتازانی - المطول - ۲۳۶، ۱۳۷۴ - ۲۳۹، خطیب قزوینی - الايضاح با شرح د. عبدالمنعم خفاجی، ۱۹۴۹م، ج ۶، ص ۱۵۹ و ج ۳ ص ۲۱۴-۲۲۱).

د- اسلوب های اعتراضی در نگارش های قرآنی

در میان پژوهشگران اسلامی، میدان داران علوم قرآن و تفسیر بیش از دیگر گروه ها اسالیب اعتراض در قرآن را مورد دقت و نقد نظر علمی قرار داده اند. گرچه این گروه نیز نگارش مستقلی در این زمینه از خود جای نگذاشته اند، اغلب در لابلای مباحث علوم قرآنی فصل کوتاهی را سامان داده، با همان روش نحویان از معدودی مثال تکراری تجاوز نکرده اند؛ البته در میان میدان داران تفاسیر ادبی، جارالله زمخشری (ت: ۵۲۸ هـ ق) پیشرو و سمین حلبی و ابن عطیه اندلسی (ت: ۷۵۶ هـ ق) و ابوحیان اندلسی ناقد و مکمل یافته های وی بودند، و در کتاب الجامع لاعراب جمل القرآن د. طالب محمد اسماعیل زوبعی از پژوهشگران معاصر، بیشترین تلاش را در معرفی اسالیب اعتراض در قرآن انجام داده اند. اما با این وصف تا کنون هیچ نگارش فراگیری - که با نگرش کلان آن را مورد نقد و بررسی علمی قرار داده باشد - سامان نیافته است. همین بی توجهی پژوهندگان میدان ادب و تفسیر نسبت به این اسلوب قرآنی از یک سو، و احساس خلاء آن در مجموعه نگارش های قرآنی از سوی دیگر، ما را ملزم می نماید که همه موارد و کاربردهای آن را در قلمرو سوره قرآنی مورد ارزیابی دقیق قرار داده، و اغراض و آثار بلاغی آنها را کشف، و در نتیجه رسالت و جایگاه این اسلوب حکیمانه را در میان مجموعه آیات قرآن کریم شناسایی، و به حوزه تفسیر معرفی نماییم، تا در جهت گریه های تفسیری خود آن ها را مورد توجه جدی قرار دهند، و از این رهگذر شاید فصل نویی در تفسیر این مجموعه آیات به وجود آید.

هـ) - اعتراض در دیدگاه لغت شناسان

نحویان و عالمان بلاغت و پژوهشگران حوزه قرآنی از «اعتراض» برداشت های گوناگونی دارند و هر گروهی آن را با نگرش ویژه خود تفسیر کرده است. عالمان بلاغت با آنکه نگرش بلاغی بر کلام دارند، خود در تعریف، کیفیت، کمیت و قیود آن به پنج گروه تقسیم شده اند، و چون نگرش نحویان عالمان بلاغت و جامعه قرآنی بر اساس تفسیر اهل لغت از این اسلوب است، نخست دیدگاه لغت شناسان را بررسی نموده و آن گاه به نقد و بررسی انتظار عالمان نحو و بلاغت و علوم قرآنی می پردازیم. از مجموعه بیان لغت شناسان چون: ابن درید، اسماعیل جوهری، فیروزآبادی، فیومی، زمخشری، ابن منظور مصری و لویس معلوف و... استفاده می شود، که اعتراض از ماده «ع ر ض» به معنای: بروز، ظهور، انحراف از مسیر، مانع و به طور کلی یک نوع تحول، عدول، تغییر، قطع و جدا کردن است، که در برابر چیزی و یا در میان چیزی قرار گرفته و روند عادی و نظم و چینش آن را به هم می زند، و معنی اصطلاحی آن از همین مضمون گرفته شده است. (بنگرید به ابن درید - جمهره اللغه - ۱۹۸۷م، ج ۲ ص ۷۴۷ و اسماعیل جوهری - صحاح الغه - بی تا، ج ۳ ص ۱۰۸۲ و فیروزآبادی - القاموس المحيط - ۱۳۷۱هـ ق، ج ۲ ص ۳۴۷ - ۳۴۸ و الفیومی - المصباح المنیر - ۱۳۴۷هـ ق، ص ۵۹-۶۱ و ابن منظور مصری - لسان العرب - ۱۴۰۰هـ ق، ج ۷ ص ۱۶۸-۱۶۹ و زمخشری - اساس البلاغه - ۱۴۰۱هـ ق، ص ۲۹۸-۲۹۹).

و) - اعتراض در نگاه نحویان

نحویان در تعریف اعتراض از جهت ایجاز و اطناب برخورد های متفاوتی دارند، و به نظر می رسد جامع ترین تعریف را در میان نحویان عبد الرحمن سیوطی (ت: ۹۱۰هـ ق) به تصویر کشیده، و می گوید: « هِيَ الَّتِي تَعْتَرِضُ بَيْنَ شَيْئَيْنِ مُتَلَاذِمَيْنِ لِتَوْكِيدِ الْكَلَامِ أَوْ تَوْضِيحِهِ أَوْ تَحْسِينِهِ، وَتَكُونُ ذَاتَ عِلَاقَةٍ مَعْنَوِيَّةٍ بِالْكَلَامِ الَّذِي اعْتَرِضَتْ بَيْنَ أَجْزَائِهِ وَكَيْسَتْ مَعْمُولَةً لَشَيْءٍ مِنْهُ » (عبد الرحمن سیوطی - همع الهوامع - بی تا، و ناصر البدر - اختیارات ابی حیان النحویه - ۱۴۲۰هـ ق، ج ۱ ص ۱۳۳) و دیگر نحویان خواه پیش از سیوطی و خواه بعد از وی، با تفاوت اندکی همین معنی را در نظر گرفته اند، و با توجه به داده های این تعریف نتایج ذیل از آن استفاده می گردد:

۱- نحویان از آغاز تا کنون از زاویه اعراب و بنا به جمله های معترضه نگریسته و آن را در ضمن جمله هایی که محلی از اعراب ندارند، مورد بحث و بررسی قرار داده و از دیگر آثار آن بحثی نکرده اند.

۲- از دیدگاه نحویان، جمله معترضه تنها در میان اجزای یک کلام و یا در میان دو کلام متصل به هم قرار می‌گیرد، نه در آغاز و نه در پایان کلام، و آن تنها جنبه تأکیدی داشته و حذف آن خللی در روند پیام اصلی وارد نمی‌سازد.

۳- جمله معترضه با طرفین خود هرگز ارتباط لفظی نداشته، و هیچ‌گونه روابط عامل و معمولی با هم ندارند و لکن میان ماقبل و ما بعد آن حتما باید ارتباط لفظی برقرار باشد، و نه تعامل معنوی. و این برداشت متأثر از تفسیر لغوی آن بوده است.

۴- در تعریف های نحویان - با توجه به صدها آیه از جمله های معترضه در قرآن و آثار بلاغی و تفسیری فراوان آن در فرهنگ گسترده قرآنی، نه زمینه های کاربردی آن ها مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نه مفاهیم تفسیری آن ها.

۵- نحویان در بررسی موارد و اغراض جمله های معترضه، تنها به مثال هایی که در بیشتر نگارش ها تکرار شده بسنده کرده اند، و از بررسی دیگر آیات و مثال ها و یا ابعاد دیگر آن ها، صرف نظر نموده، و یا غفلت کرده اند.

۶- با آن که علوم بلاغت و تفسیر و علوم قرآن بر اساس اصول تعریف شده علم نحو، بنا شده و نحویان از آثار بلاغی و تفسیری آن آگاهی کافی داشته اند در نگارش های نحوی چندان بهایی بدان داده نشده، حتی تا قرن چهارم در نوشتار های نحوی مطرح نگردیده است.

ز)- اسلوب اعتراض از نگاه بلاغی

در بیشتر نگارش های بلاغی « اسلوب اعتراض » به « هُوَ أَنْ يُؤْتَى فِي أَسَاءِ الْكَلَامِ، أَوْ بَيْنَ كَلَامَيْنِ مُتَّصِلَيْنِ مَعْنَى، بِجُمْلَةٍ أَوْ أَكْثَرَ، لَا مَحَلَّ لَهَا مِنَ الْإِعْرَابِ، لِئِنَّ كَلِمَةَ سَوَى مَا ذُكِرَ فِي تَعْرِيفِ التَّكْمِيلِ » تعریف شده، و پیرامون آن با ذکر شواهدی، توضیح داده شده است. گروهی از پژوهشگران بلاغت قید آخر یعنی: « سَوَى » را لحاظ ننموده، و فایده آن را برای دفع ایهام خلاف المقصود نیز توسعه داده اند، آنگاه خود به دو گروه تقسیم شده اند:

گروهی وقوع « اسلوب اعتراض » را در پایان و یا آغاز کلام هم علاوه بر وقوع آن در میان اجزای کلام و یا در میان دو کلام متصل به هم، جایز شمرده، و اعتراض را اعم از تذییل و تکمیل گرفته اند؛ چون: زمخشری و پیروان وی. دسته دیگر با حفظ شرط « وقوع در وسط کلام » قید جمله بودن آن را لغو کرده، و عملاً وقوع مفرد و یا هر مرکب کمتر از جمله را جایز شمرده و می‌گویند: ممکن است که محلی از اعراب هم داشته باشد. (خطیب قزوینی - الايضاح با شرح - و د.عبد المنعم

خفاجی، ۱۹۴۹م، ج ۳ ص ۲۱۴-۲۲۱ و شراح التلخیص، ۱۹۸۹م، ج ۳ ص ۲۳۷-۲۴۰ و فخرالدین رازی، نهایتہ الیجاز، بی تا، ص ۱۱).

نتایج بحث

بنا براین، اسلوب اعتراض عبارتی است که در وسط یا در پایان و یا در آغاز اندیشه و پیام اصلی افزوده می شود. خواه مفرد باشد، خواه جمله و خواه کلام، خواه یک جمله و خواه بیشتر، و خواه محلی از اعراب داشته باشد و خواه نداشته باشد، نکته بلاغی آن خواه دفع ایهام خلاف مقصود باشد و خواه چیز دیگر.

اندیشه اعتراض یک اسلوب بیانی است که در کنار اندیشه اصلی به نحوی با آن پیوند می خورد، و رابطه معنوی میان آن دو، در گستره اعجازی قرآن رقم خورده است.

الف) اسلوب اعتراض از نگاه تفسیری و علوم قرآنی

در حقیقت میدان داران اصلی اسلوب اعتراض در قرآن، پژوهشگران تفسیر ادبی قرآن و علوم قرآنی هستند، که تلاش هایی را در کشف این اسلوب در قرآن انجام داده اند البته این گروه در مورد اسلوب های اعتراض در قرآن نوشتار ویژه ای را سامان نداده اند؛ لیکن آیات و جمله های اعتراض را در گستره آیات قرآن، شناسایی و اغراض و آثار و نکته ها و حقایق بلاغی و اعجاز بیانی و همچنین احکام فقهی و کلامی آن ها را به تناسب مقام بیان داشته اند. در نتیجه حدود ششصد آیه از قرآن کریم را به عنوان معترضه معرفی کرده اند؛ ولی هرگز به جمله های معترضه به عنوان اسلوبی از اسالیب اعجاز بیانی ننگریسته، و نگارشی را در این زمینه سامان نداده اند.

ب) موارد کاربردی اسلوب اعتراض در قرآن

پژوهشگران حوزه ادب و جویندگان مناہل زلال قرآن کریم، موارد کاربردی اسالیب اعتراض در قرآن را در چارچوب قوانین نحوی و بلاغی بررسی کرده اند، و لکن آن را با نگرش کلی و به عنوان یک اسلوب در ساختارهای ادبی در گستره آیات قرآن به گونه نهادینه، مورد بررسی قرار نداده اند، ما نیز بررسی همه جانبه آن را به وقت دیگر موکول کرده، تنها به تعدادی از آن ها اشاره می نماییم. اسلوب اعتراض باتوجه به انواع فراوان آن از جهت طولانی و کوتاه بودن کلام، به چند دسته تقسیم می گردد:

الف) دسته ای که به گونه یک جمله کامل به کار رفته است.

ب) در دسته دیگر اسلوب اعتراض به صورت دو جمله قرار گرفته است.

ج) و در دسته سوم به گونه بیش از دو جمله رخ نموده است.

و ما در این مقاله تلاش خواهیم کرد که از هر مورد نمونه ای را به صورت گذرا ارائه نماییم و از این رهگذر سیمای کلی اسلوب اعتراض را در معرض دید پژوهندگان ادب قرآنی قرار دهیم:

الف) نوع اول، خود دارای گونه های فراوانی است، و می تواند به تعداد انواع اسالیب اعتراض در قرآن باشد، و ما به جهت اختصار تنها یک نمونه از آن را توضیح می دهیم فرمود: «وَ إِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ لِبَلِّ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» نحل ۱۰۱

چنان که روشن است، جمله « وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنزِّلُ » یک جمله اسمیه و کامل بوده و در میان جمله شرط و جواب آن فاصله شده، و نوع شرط، استقبال و ادات آن « اِذَا » می باشد، و این جمله مرکب از مبتدا و خبر بوده، و فایده آن اعلام و هشدار به کسانی است که به پیامبر وحی (ص) افترا بسته، و می گویند: وی (ص) به خدا افترا می زند، و تاکید می نماید که این قرآن از جانب خداوند بوده، و رسول خدا تنها نقش ابلاغ کننده دارد، حتی توان آوردن یک جمله مثل قرآن را هم ندارد. علاوه بر آن که او پیامبر صادق و مصدق است، خداوند بهتر از شما می داند، و اعرف به حال وی است. بنابراین، او راست می گوید و شما باید تسلیم امر وی شوید. (ر.ک ابن الاثیر: جزری - المثل السائر - ۱۴۱۹م، ج ۳ ص ۴۳ و یحی العلوی - الطراز - ۱۳۷۱، ج ۲ ص ۲۸۸).

ب) نوع دوم که اسلوب اعتراض در ساختارهای متنوع و به گونه بیش از یک جمله رخ نموده، با شاکله های گوناگون خود، تابلوهای بسیار زیبایی را به تصویر کشیده و از این رهگذر شیرینی و دلربایی وصف ناپذیری در آیات به نمایش نهاده است، که باز تنها یک نمونه آن را توضیح می دهیم، فرمود: «وَ إِذْ قَالَ لِقَمَّانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَ هُنَّ عَلَى وَهْنٍ وَ فِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لَوِ الْوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ» لقمان ۱۳-۱۴.

جمله های «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَ فِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ» میان فعل « وَ وَصَّيْنَا » و مفعول آن: « أَنْ اشْكُرْ لِي ... » به عنوان معترض فاصله شده، و غرض و پیام آن، یادآوری فرزندان به رنج و زحمت بی شماری است که مادر در دوران بارداری و وضع حمل، متحمل شده است. یادآوری و تاکید بر آن دو، از میان مشقات مادر، به هدف توصیه بیشتر در رعایت حقوق مادر صورت گرفته است، چون رنج هایی را که مادر

دراین رهگذر برخورد همواری نماید، هرگز بدر یا هیچ کس دیگری در حق فرزندان متحمل نمی‌گردد.

از همین رو رسول خاتم (ص) در پاسخ جوانی که پرسیده بود، به چه کسی نیکی نمایم؟ فرمود: «امک ثم امک ثم امک، ثم اباک» (ر.ک: زمخشری - الکشاف - بی تا، ج ۳/۳۵۹؛ بدرالدین زرکشی - البرهان فی علوم القرآن - ۱۹۷۹م، ج ۳/۵۸؛ د. محمد محمد ابو موسی - البلاغه القرآنیه فی تفسیر الکشاف - ۱۴۰۸هـ.ق، ص ۴۵۳)

ج) گروه سوم آیاتی هستند که بیش از دو جمله به عنوان معترضه قرار گرفته، و به گونه های فراوانی به تصویر کشیده شده اند؛ و ما در این قسمت هم تنها یک نمونه آن را توضیح داده و به برخی از موارد دیگر نیز اشاره می‌نماییم. فرمود: «يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ءَانٍ - فَبَأَىٰ ءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ - وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ - فَبَأَىٰ ءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ - فِيهِمَا عِثَانٌ تَجْرِيَانِ - فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ - فَبَأَىٰ ءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ - مُتَكَيِّنَ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَانَتْهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ» الرحمن ۴۴-۵۵. در صورتی که «ذَوَاتَا أَفْنَانٍ» خبر مبتدای محذوف و «متکین علی فرش ...» حال از فاعل در «خاف» به اعتبار خائفین باشد، تعداد جمله های مستقل معترضه، هفت عدد، و در صورتی که «ذَوَاتَا ...» صفت «جَنَّاتٍ» باشد، تعداد آن ها شش عدد خواهد بود، که میان حال و ذوالحال قرار گرفته اند(شراح - التلخیص - ۱۳۷۵ هـ.ق، ج ۳ ص ۲۴۴ و عبدالرحمن سیوطی - الاتقان - ج ۱ ص ۲۲۲). و اما موارد دیگر آن، در سوره هود آیه ۴۴ سه جمله، در سوره فصلت آیه های ۴۱-۴۴ ده جمله، در صفات یکصد و سی و هشت آیه، در ص و القرآن شست و سه آیه، در مدثر سی و چهار آیه و در عنکبوت حدود هفت آیه، به عنوان معترضه فاصله شده است. این مسئله به دلیل غیر متعارف بودن آن مورد انکار بدرالدین زرکشی قرار گرفته است؛ و لکن جای تحقیق و نقد و بررسی جدی دارد. (ر.ک: زمخشری الکشاف - بی تا، ج ۴ ص ۴۸ و ۵۲۲ و بدرالدین زرکشی - البرهان فی علوم القرآن - ۱۳۹۱، ج ۳ ص ۶۲).

د) دسته چهارم از اسالیب اعتراض در قرآن، اعتراض در اعتراض است. اسلوب اعتراض در اعتراض در قلمرو آیات سور قرآنی نمونه های بسیاری دارد و ما تنها به یک نمونه آن بسنده می‌نماییم: «فَلَا أَقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ - وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ - إِنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ» الواقعة/ ۷۵-۷۷. در همین آیات همانگونه که در پیش توضیح دادیم، جمله های «وَ إِنَّهُ لَقَسَمٌ... عَظِيمٌ» معترضه بوده و در درون آن نیز معترضه دیگری قرار گرفته است. چون میان صفت و موصوف یعنی: «لَقَسَمٌ عَظِيمٌ» جمله شرطیه «لَوْ تَعْلَمُونَ» قرار گرفته و بر لطافت و زیبایی و استواری و حکمت آن جلوه بیشتری بخشیده

است. و غرض از وقوع اعتراض در درون اعتراض، مبالغه در حق مقسم به، و اهتمام به حال آن پیش از آمدن جواب قسم بوده، و در ضمن آن بزرگداشت مقام منبع ذات اقدس ربوبی، و ارج گذاری شان ذات مقدس اوست و تاثیر فوق العاده این گونه تعبیرها براهل بلاغت پوشیده نیست. و ابن عطیه، اعتراض دوم را تاکید گرفته است و لکن بدیهی است که تاکید با اسلوب اعتراض منافاتی ندارد. (ر.گ: ابن هشام انصاری - مغنی البیب - ۱۹۷۹م، ص ۵۱۱ و سیوطی - الاتقان - ۱۹۷۳م، ج ۲ ص ۷۵ و ابن عطیه اندلسی - تفسیرالمحرر الوجیز - ۱۴۲۲ج ۵ ص ۲۵۰-۲۵۴).

ج) اعتراض تزییلی

صورت پنجم از انواع اسلوب اعتراض، اعتراض تزییلی است که بیشتر پژوهشگران بلاغت آن را مورد نقد و بررسی قرار نداده اند، و البته کسانی هم آن را به عنوان اعتراض تزییلی بررسی کرده اند (خطیب قزوینی - الايضاح - به تحقیق خفاجی، ۱۹۶۹م، ج ۳ ص ۲۱۴-۲۲۱ و ج ۶ ص ۱۵۹). و آیه های: ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۸۴، ۱۳۹ نساء - ۵۲، ۵۱، انفال - ۵۶ یوسف - ۵۳، ۵۲، ۴۸، حج - ۳۲ عنکبوت - ۶۶ فصلت - ۵ صف - ۱۷، ۷، ۵۴، مائده - ۸۱ توبه - ۶۴، ۶۱ طه - ۳۵، ۴۱ نور - ۹ سجده - ۲۱ حدید - ۸، ۴، ۱۵۵، ۳، ۱۶۱، ۱۷۰، اعراف - ۱۸، ۹۲، ۸۳ یونس - ۴۵ انبیاء - ۲۹ فرقان - ۸۰ یس - ۹ مجادله، از نوع اعتراض تزییلی می باشند. و بدیهی است که بررسی کامل آیات اعتراض تزییلی با عنایت به دیدگاههای گوناگون پژوهشگران قرآنی به یک نگارش جداگانه ای نیازمند است. و ما تنها سه نمونه از آن را توضیح کوتاهی می دهیم، فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آؤْتُوا الْكِتَابَ ءَامِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وَجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَأَنْ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا» نساء ۴۷. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا» ۴۸. نساء «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ النَّاسَ بِالْبِخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا» نساء ۳۷. در هر سه مورد غرض آن تقریر و تاکید و استوارسازی کلام الهی است. (ابوالسعود، ج ۶ ص ۲۹۱).

د) آثار بلاغی اسلوب اعتراض

اسلوب اعتراض، چون دیگر اسالیب بیانی قرآن دارای آثار، نکات، اسرار و نهفته های بلاغی بسی شماری است که با توجه به گستردگی این اسلوب حکیمانه در گستره آیات و اینکه هر اسلوبی در مقام عمل نکته ها و ناگفته های فراوانی در نهان دارد، نتیجه می گیریم که گردآوری آیات و بیان نکته

ها و نهفته های بلاغی و غیر آن و تفسیر این اسالیب، به یک دوره نوشتاری نیازمند است، ولیکن ما در این نوشتار کوتاه به صورت گذرا و فهرست وار بدان می پردازیم:

۳- اغراض اعتراض

۱- تقریر و تقویت و تسدید کلام اصلی. ۲- تنبیه و هشدار به مخاطبین. ۳- تنزیه فاعل و یا مفعول از کلام اصلی. ۴- وعده و وعید آنان. ۵- ترغیب مخاطبین برای شنیدن پیام اصلی. ۶- تبرک جستن به مقدسات، به ویژه اسماء و صفات جلاله. ۷- بیان غایت و پایان جمیل حادثه. ۸- ابراز نیاز به بیان و تعدیل و اظهار جلال و عظمت نعمت و ترغیب به قدر شناسی. ۹- اهمیت بخشیدن به اعتذار. ۱۰- تاکید کلام اصلی. ۱۱- بزرگداشت و تشدید پیام اصلی. ۱۲- بیان تفسیر ایهام جمله و پیام اصلی. ۱۳- اختصاص احد المذکورین در پیام اصلی به مزایا و حقوق ویژه. ۱۴- ثناء و حمد فاعل یا مفعول در اندیشه اصلی. ۱۵- افزایش و مبالغه در پاسخ دشمن. ۱۶- پاسخ به ادعاهای باطل. ۱۷- انکار تعجبی از کار شنوندگان. ۱۸- بیان ضد بعد از ضد، جهت بیدار کردن وجدان مخالفان و تشویق آنان به تسلیم در برابر خواسته های حکیم مطلق، و اطمینان بخشیدن به پیروان واقعی. ۱۹- اظهار و نمایش گذاشتن قدرت و قوت ادله و احتجاج گوینده حکیم. ۲۰- تسلی و آرام بخشیدن به مخاطبان در برابر ناملایمات در راه هدف و دعوت آنان به صبر و بردباری و خویشترن داری. ۲۱- ترغیب و تشویق شنوندگان به تسلیم در برابر منطق گوینده و استدلالی گوینده. ۲۲- بیان روحیات و دو چهره بودن دشمن و هشدار به مومنان جهت اطلاع از مکر و حيله های دشمنان. ۲۳- تعریف و تمجید و تصویر شخصیت قهرمانان راه حق و ارج گذاری بر آنان و تعیین معیارها و ارزش های شایسته مقام امامت و رهبری امت اسلامی. ۲۴- بزرگداشت و ارج گذاری موضوع اصلی کلام و اندیشه. و صدها، بلکه هزاران نکته و غرض بلاغی و هدایتی که یک پژوهشگر ژرف نگر، در بررسی عرصه های آیات سور قرآنی ممکن است، به دست آورد. چون بر پایه توقیفی بودن نظم و چینش و آرایش حروف و کلمه ها و جمله ها و آیات سور قرآنی که با علم و حکمت علی الاطلاق خدای سبحان و بنا تدبیر رسول گرامی اسلام (ص) - که عقل نخستین و عقل کل بود - تنظیم یافته، دارای اسرار نهفته فراوانی است که باید با تلاش پژوهندگان حقایق زلال قرآنی کشف گردد. و ما در این مجال کوتاه تنها به چند نمونه آن، جهت شفافیت و استوارسازی سخن اشاره کوتاهی می کنیم.

الف) اعتراض جهت تقریر و تثبیت پیام اصلی

چون: « قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَرِقِينَ » یوسف - ۷۳

خوب روشن است که جمله « لَقَدْ عَلَّمْتُمْ » با لام تاکید و قد تحقیقیه، جهت تقریر و استوار سازی کلام اصلی و تاکید بر آگاهی یوسف و کارگزاران حکومت به بی گناهی فرزندان یعقوب و تبرئه آنان از تهمت سرقت، آمده و برادران یوسف جهت اثبات آگاهی حکومت از بی گناهی آنان، جمله را با سوگند آغاز کرده، و با جمله « لَقَدْ عَلَّمْتُمْ » آن را به شدت مبالغه کرده اند. (ر.ک: یحیی بن حمزه علوی - الطراز - ۱۹۱۴م، ج ۲ ص ۱۷۱).

ب) اعتراض تنزیهی

« وَ يَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ - سُبْحَانَ - وَ لَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ » النحل - ۵۷. یعنی: وَ يَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ: و سبحانه جمله معترضه فعلیه بوده، و میان معطوفین قرار گرفته است. سبحانه، مصدر مضاف و به منظور تنزیه ذات اقدس ربوبی از اتخاذ بنات و مبالغه در انکار گفتار کفار است. مثل اینکه فرموده باشد: « وَ يَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ - وَ هُوَ مِنْهُ عَنِ ذَالِكَ - وَ لَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ » این اسلوب به منظور تکریم و تعظیم مقام مقدس ربوبی و اعلام شناخت گفتار و اندیشه کفار و نکوهش چنین اندیشه ناپاک است. و اگر جمله را حالیه بگیریم، این مبالغه در نکوهش و انکار اعتقاد و گفتار کفار را نمی رساند. (ابن الاثیر جزر ۱۴۱۹، ج ۲ ص ۱۶۹ و ابن یعقوب المغربي - شروح التلخیص - ۱۹م، ج ۳ ص ۲۳۹).

ج) اعتراض تنبیهی

« أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَ رَعْدٌ وَ بَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَ اللَّهُ مَخِيطٌ بِالْكَافِرِينَ - يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشْرُوقٌ فِيهِ وَ إِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ إِنْ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ » بقره ۱۹ - ۲۰ وَ اللَّهُ مَخِيطٌ بِالْكَافِرِينَ » جمله اعتراضیه بوده، و غرض و فایده آن هشدار است مبنی بر اینکه ترس از مرگ، سودی به حال منافقان ندارد، چراکه خالق کون و مکان بر همه عالم از جمله منافقان و کافران احاطه کامل دارد، و همه آنان در قبضه قدرت او هستند. بنابراین، ترس از مرگ سودی در تاخیر انداختن مرگ به حال آنان نخواهد داشت (زمخشری ۱۴۱۵ هـ ق ج ۱ ص ۸۵-۸۶).

د) اعتراض وعد و وعیدی

« وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُّجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَ مَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ ». الانعام ۱۲۳

در این کریمه همانگونه که روشن است جمله « وَ مَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ » اعتراضیه است و منظور آن، وعده پیروزی به رسول خدا (ص) و تهدید توبیخ آمیزی برای کفار است، و با صراحت کامل اعلام می‌دارد که مکرو حيله کفار تنها دامن خودشان را می‌گیرد، بدون آن که آنها آن را درک نمایند.

(ابوالسعود، ۱۹۹۹م، ج ۳ ص ۱۸۲)

هـ) اعتراض ترغیبی

یکی دیگر از اسالیب اعتراض، اعتراض از نوع ترغیب شنوندگان و تشویق آنان به پاسداری از امور و ارزش های انسانی و مقدسات پروردگار عالم است و در قرآن کریم مانند اعتراض دیگر حضور گسترده ای دارد ما تنها به یک نمونه از آن اشاره می‌نماییم. فرمود: « كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ - فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ - فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ » عبس، ۱۱-۱۲ - چرا که « فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ » متعلق به عامل مقدر و صفت « تَذْكِرَةٌ » بوده و جمله « فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ » شرط و جزاء، جمله معترضه با فاء اعتراضیه بوده، و منظور از آن همان ترغیب و تشویق شنوندگان به پاسداری از حریم مقدس آن و رعایت حرمت و عمل به اصول آن می‌باشد. یعنی: « كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ - فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ - فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ » (زمخشری، ۱۴۱۵، ج ۴ ص ۷۰۲)

و) اعتراض تبرکی

یکی دیگر از اسالیب حکیمانه اعتراض در قرآن کریم، اسلوب تبرک است مانند: «لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنِ شَاءَ اللَّهُ ءَأَمِنِينَ مَخْلَطِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا» الفتح، ۲۷

جمله شرطیه « ان شاء الله » میان حال و ذوالحال معترضه واقع شده، و یکی از اغراض آن تبرک جستن به اسم جلاله - جل شأنه - می‌باشد، چرا که ورود به مسجد الحرام در سال هفتم و هشتم هجری با امنیت کامل، برای مسلمانان به همراه پیامبر (ص) در علم الله قطعی بوده و جمله « ان شاء الله » ظاهراً جهت تبرک آمده است، گرچه هدف مهم آن اثبات قدرت مطلقه حق است که در هر صورت قدرت و توان نهایی در دست اوست، درست است که وعده فرموده، وعده او هم صد در صد حق و عملی است، و لکن باز تصمیم نهایی در دست اوست چون: «يَمْخُوا لِلَّهِ مَا يَشَاءُ وَيُنَبِّئُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» الرعد - ۳۹. دفتر محو و اثبات در دست قدرت اوست.

ز) اعتراض ستایشی و مدح

یکی دیگر از اغراض حکیمانه اعتراض در قرآن، ستایش و مدح قهرمانان پیام و اندیشه اصلی است، جهت تشویق شنوندگان به پیروی از آنان مانند: «وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِبْرَاهِيمَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ...» الانعام، ۸۵ چون جمله «كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ» اعتراضیه بوده و منظورش ستایش و تعریف و معرفی مقام والا و ارجمند انبیاء عظام الهی بوده است، و آنگاه به شمارش انبیاء دیگر ادامه داده و می گوید: «وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُوشَعَ وَحُوطًا وَكَالًا فَضَلَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ». (ابو السعود، ۱۹۹۹م، ج ۴ ص ۲۶۴).

ح) اعتراض اجمال و تفصیلی:

اصولاً اجمال و تفصیل یکی از اسالیب بسیار جذاب اعتراض است، چون در دل شنوندگان تاثیر بیشتری می گذارد، با اجمال نفوس را آماده و تشنه شنیدن می نماید؛ و با تفصیل آن را کاملاً جا می اندازد، در حقیقت در این اسلوب شنوندگان جریان قصه و عاقبت آن را از پیش می دانند، مانند: «وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَىٰ مِن مِّصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوِيَّ عَسَىٰ أَن يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَكَانَ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ - وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ - وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَن نَّفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ...» یوسف، ۲۲-۲۳.

از «كَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ...» به عنوان نمونه اجمال و خلاصه و دور نمای داستان یوسف مطرح شده، به همان دلیل که ذکر شد. (ابو السعود ۱۹۹۹م، ج ۴ ص ۲۶۴)

همان گونه که در پیش یادآور شدیم، بررسی همه صور اعتراضی و نکته های اعجازی و بلاغی و دیگر زوایا و افق های ناپیدای آن، در گستره آیات قرآن کریم، در توان هیچ پژوهشگری نمی باشد، چون نوع و فایده و اغراض بلاغی اعتراض در قرآن مربوط به نوع دلالت سیاق و مضمون و نظم و چینش و آرایش و فراین آمیخته بدان و لحن اسالیب اعتراض - با آن حجم بزرگ آن که قریب یک هزار جمله و کلام است - می باشد. بدیهی است که سیاق و نظم و اسلوب اعتراض در قرآن و چشم انداز بلاغی و... آن از حوصله شمارش بیرون است. از سوی دیگر محدود نمودن اغراض اسلوب حکیمانه اعتراض به امور معین بر خلاف دقتهای علمی است و در بررسی همه جانبه آن ممکن است که هزاران نکته جدید در فراروی میدان داران تفسیری به دست آید، و سامان دادن چنین نگارشی یک دوره بزرگ تحقیقی را تشکیل می دهد.

نتایج

از نقد و بررسی مسائل اسلوب اعتراض در قرآن چنین نتیجه می‌گیریم که:

۱- بحث و بررسی و پژوهش اسالیب قرآن از جمله اسالیب اعتراض - با عنایت به رسالت جهانی قرآن و با توجه به آیه: «فیه تَبیانٌ کُلِّ شیءٍ» و رسالت پژوهشگران اسلامی - یک امر ضروری است و حیات معنوی جوامع بشری و ادامه حیات جهان اسلام بدان بستگی کامل دارد، و تنها با پژوهش و تحقیق و یافته‌های جدید است که به شبهات بیمار دلان و نیاز نفوس تشنه امروز پاسخ منطقی می‌توان داد.

۲- نقد و بررسی نگارش‌های قرآنی در طول تاریخ اسلام نشان می‌دهد که دانشمندان اسلامی در ارتباط با اسالیب بیانی در قرآن کار چندانی نکرده‌اند و هنوز افق‌های ناپیدای بسیاری از آن نیاز به بحث و بررسی دارد. بویژه در مورد اسلوب اعتراض در قرآن که تاکنون هیچ نگارشی در حوزه نگارش‌های قرآنی و ادبی در مورد آن سامان نیافته است، و این موضوع یکی از مباحث ضروری پژوهش‌های قرآنی است.

۳- عالمان بلاغت و نحو، دید یکسانی در مورد اسالیب اعتراض ندارند، چرا که نحویان، آن را از بعد اعراب و بنا و عمده و فضله، نگرسته‌اند، ولیکن بلاغیان از جهت زیبایی و جایگاه آن در نظم چینش قرآن.

۴- نحویان تمامی تلاش خود را جهت بررسی موارد اعتراض، و بلاغت‌شناسان موارد و اغراض بلاغی، و میدان‌داران تفسیر و دانش‌های قرآنی مورد به مورد آیات اعتراضی را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند، ولیکن هیچیک از گروه‌ها و مدارس یاد شده، اعتراض در قرآن را به گونه اسلوبی و با نگرش کلان و جایگاه آن را در مجموعه قرآنی ننگریسته‌اند، و این خلاء کماکان موجود و پرونده آن باز است.

۵- در این نوشتار جمله‌های معترضه و اسالیب آن به پنج گروه کلان تقسیم شده‌اند، که هر گروه از آن در صورت بررسی همه‌جانبه، در خور یک نگارش مستقل پر حجم می‌باشد، و در نتیجه هم‌افق‌های نهان فراوانی در این راستا وجود دارد که نیاز به تحقیق و بررسی دارد، و هم‌بررسی این زوایای نهفته می‌تواند نقطه عطفی در تحول دیدگاه‌های تفسیری بویژه فقهی، حقوقی باشد.

۶- در مورد اغراض و اهداف و فواید اسلوب اعتراض در قرآن، به این نتیجه رسیدیم: آنچه را که پژوهشگران قرآنی، بلاغی از اغراض بلاغی و غیر آن یاد آور شده‌اند، ضمن آن که همه نیاز به نقد و بررسی دارد، هنوز حجم بسیار سنگینی از این اغراض کشف نشده و نیاز به بحث و بررسی جهت درک عظمت قرآن کریم دارد.

۷- ارائه نمونه هایی از اغراض در قرآن، نشان می دهد که شناخت قرآن کریم و نظم و چینش اعجاز انگیز آن، چقدر در جلب دل های آماده به سوی اسلام و قرآن کریم موثر بوده است و شفاف سازی این نوع مسائل چقدر فهم و درک مقاصدالله و روابط آیات و مجموعه های قرآنی را ملموس و آسان می نماید.

طرح ها و پیشنهاد ها

همانطور که یادآور شدیم با همه تلاش هایی که در مورد اسالیب اعتراض در لابلای مباحث قرآن انجام گرفته است، هنوز موضوعات گوناگون بسیاری مطرح است که نیاز به تحقیق و تلاش علمی و فنی دارد از جمله:

- ۱- شرایط اعتراض به عنوان یک اسلوب در دل قرآن کریم. ۲- انواع بی شمار اسلوب اعتراض در قرآن و بررسی ابعاد گوناگون آن. ۳- موارد اعتراض و نقش بلاغی آن در مجموعه اسالیب منظم قرآن. ۴- فواید اسلوب اعتراض و روابط آن با پس و پیش خود. ۵- اعتراض در نگاه نحویان و میدان داران بلاغت، اشتراک نظرها و افتراق آنها. ۶- بررسی همه موارد کاربردی اسلوب اعتراض در قرآن. ۷- نقد و بررسی دیدگاه مفسران فرق اسلامی در مورد اسلوب اعتراض که آیا طرح مسئله اعتراض در مورد زمینه فرقه گرایی و... تأثیری نداشته است؟ ۸- مقایسه کلی نظام اسالیب اعتراض در قرآن با اسالیب اعتراض در متون نظم و نثر عرب و اثبات اعجاز قرآن از این ناحیه. ۹- نقد و بررسی اسلوب اعتراض و آثار فقهی، کلامی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی آن در قلمرو آیات سور قرآنی. ۱۰- نقد و بررسی جایگاه اسالیب اعتراض در قرآن کریم، در گستره نظم حکیمانه آن. ۱۱- و ده ها بلکه صد ها عنوان دیگری که هر پژوهشگری در راستای پژوهش قرآن با آن ها برخورد می نماید. و اگر مقاله به طول نمی انجامید یک فهرستی از اسالیب اعتراض در گستره آیات قرآن را ارائه می دادیم، امیدواریم که در یک نگارش دیگر این مهم تحقق یابد.

«کتابنامه»

- ۱- ابن جنی ابوالفتح، ۱۴۲۱هـ ق الخصائص، به تحقیق محمد علی النجار، بیروت، دار الهدی
- ۲- ابن درید، ۱۹۸۷م، جمهره اللغة، بیروت، دارالعلم
- ۳- ابن المعتز، عبدالله، ۱۹۵۰م، البدیع، تحقیق: اغناطیوس کراتشکو فسکی، بغداد
- ۴- ابن منظور المصری، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه العلمیه.
- ۵- ابوالسعود، ۱۴۱۹هـ ق ارشادالعقل السلیم الی مزیای القرآن کریم، تحقیق: عبد اللطیف عبد الرحمن، بیروت، دارالکتاب.
- ۶- ابو موسی محمد محمد، ۱۶۰۸هـ ق البلاغه القرآنیه فی تفسیر الزمخشری، مصر مکتبه وهبه الزحیلی
- ۷- انصاری ابن هشام، بی تا، مغنی اللیب، نشر ادب الحوزه العلمیه.
- ۸- باقلانی، ابوبکر، بی تا، اعجاز القرآن، بیروت، دارالمعارف.
- ۹- تفتازانی، سعد الدین، بی تا، المطول، ایران ناصر خسرو، کتابچی.
- ۱۰- جرجانی، محمد علی، بی تا، الاشارات و التنبیها ت فی علم البلاغه، بیروت، دارالکتاب.
- ۱۱- جوهری اسماعیل، بی تا، صحاح اللغة، تحقیق: احمد حوفی و بدوی، مصر دارالنضه.
- ۱۲- حلبی سمین، ۱۴۱۵ق الدر المصون فی تفسیر الکتاب المکنون، تحقیق: د.احمد الخراط، دمشق، دارالقلم
- ۱۳- حموی ابن الحجّه، ۱۹۹۹م خزانه الادب و غایه الارب، بیروت، دارالکتاب
- ۱۴- خفاجی، شهاب الدین، ۱۴۱۲هـ ق الحاشیه علی تفسیر البیضاوی، بیروت، دارالقلم
- ۱۵- خفاجی، د.عبدالمنعم، ۱۳۶۸هـ ش شرح شواهد الکتاب لیسیبویه، القاهره، مکتبه التوحید
- ۱۶- رازی فخرالدین، بی تا، نهایه الایجاز، القاهره، دارالکتاب.
- ۱۷- زرکشی بدرالدین، ۱۳۹۱هـ ق البرهان فی العلوم القرآن، مصر، عیسی البابی
- ۱۸- زمخشری، محمود، بی تا، الکشاف، ایران، قم، نشر ادب الحوزه العلمیه.
- ۱۹- رجب، رضیه، بی تا، التصریف فی القرآن، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲۰- _____، _____، ۱۴۰۱هـ ق الکشاف، اساس البلاغه، مصر، القاهره، دارالکتاب
- ۲۱- زوبعی، د.طالب محمد اسماعیل، ۱۹۶۶م من اسالیب التعبير القرآنی، بیروت، دارالنضه
- ۲۲- سجلماسی ابوالقاسم، بی تا، المترع البدیع، بیروت، دارالمعرفه.
- ۲۳- سکاکی، ۱۹۸۲م مفتاح العلوم، مطبعه الرساله، تحقیق: اکرم عثمان یوسف

- ٢٤- سيوطى، عبدالرحمن، ١٩٧٣م الاتقان فى علوم القرآن، مصر، القايره، دارالكتاب
- ٢٥- _____، _____، بغيه الوعا، بيروت، دارالمعرفه.
- ٢٦- _____، _____، ١٤٠١هـ ق، همع الهوامع فى علوم القرآن، مصر، القايره، دارالكتاب
- ٢٧- طبل حسن، ١٣١٨هـ ق، اسلوب الاتنفات فى البلاغه القرآنيه، القايره، دارالفكر
- ٢٨- عسكرى ابو هلال الصناعتين، ١٩٥٢م، تحقيق: محمد على البجاوى، محمد ابو الفضل ابراهيم، مطبعه الحلبي
- ٢٩- علوى، يحيى بن حمزه، ١٩١٤م، الطراز المتضمن لاسرار البلاغه، القايره، المقتضب
- ٣٠- فارسى، ابو على، ١٤٠٧هـ ق، المسائل الحلييات، تحقيق: ناصر البدر، رياض، مكتبه الرشيد
- ٣١- فيروز آبادى، محمد بن يعقوب، ١٣٧١ هـ، القاموس المحيط، مصر، مكتبه مصطفى البابى
- ٣٢- فيومى، احمد بن محمد، ١٣٤٧ هـ، المصباح المنير، تحقيق: محمد محى الدين، الازهر
- ٣٣- قيروانى ابن رشيق، ١٩٩٩م، العمده فى محاسن الشعور آدابه، تحقيق: محمد قرقزان، القايره
- ٣٤- قدامه بن جعفر، بى تا، نقد الشعر، تحقيق: د. عبدالمنعم الخفاجى، القايره، مطبعه السعاده.
- ٣٥- مغربى و آخرون، بى تا، شروح التلخيص افست، ايران.
- ٣٦- ناصر البدر بدر الدين، ١٤٢٠ هـ ق، اختيارات ابى حيان النحويه فى البحر المحيط، القايره، دارالكتاب